

خبر

عیادت نمایندگان رهبر معظم انقلاب از آیت‌الله العظمی نوری همدانی

حجج اسلام والمسلمین رحیمیان، محمدی عراقی، محمدیان و حاج علی اکبری، دیروز با حضور در یکی از بیمارستان‌های تهران، ضمن ابلاغ سلام‌رهبر معظم انقلاب اسلامی به حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی، از مراجع عظام تقلید، در جریان آخرین روند درمانی و معالجه ایشان قرار گرفتند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، نمایندگان رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین با آرزوی سلامتی هرچه زودتر آیت‌الله العظمی نوری همدانی اظهار امیدواری کردند حوزه‌های علمیه به‌زودی بار دیگر از فضاثل علم این مرجع بزرگوار بهره‌مندشوند.



یادداشت

حسین محمدی اصل

ترامپ و خیال باز کردن گره سیاسی با چنگ و دندان!

آنچه امروز در غرب آسیا جریان دارد، صرفاً جابه‌جایی نظامی یا نمایش قدرت نیست؛ بلکه نشانه‌نوردی وروند تقابل ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی به مرحله‌ای سرنوشت‌ساز است. برنامه استقرار سه ناو هواپیمابر در اطراف ایران (جورج واشنگتن، جورج بوش و یواس اس تئودور روزولت)، تهدیدهای علنی واشنگتن و تل آویوو همزمانی این تحولات با بن‌بست مذاکرات، احتمال بالا گرفتن مناقشه را به یکی از مهترین متغیرهای امنیتی منطقه تبدیل کرده‌است. گزارش‌های اخیر از نگرانی تهران درباره احتمال حملات جدید حکایت دارند؛ نگرانی‌ای که در بستر جنگ آغاز شده در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ و فروپاشی آتش‌بس ژوئن، محتایای فراتر از هشدار مقطعی می‌یابد. پرسش اصلی این است چرا با وجود هزینه‌های سنگین تقابل نظامی، بار دیگر گزینه جنگ در محاسبات واشنگتن و تل آویوبرجسته شده است؟ پاسخ در تلاقی سه مؤلفه نهفته است: بن‌بست راهبردی، فرسایش ابزارهای فشار و تلاش برای تغییر معادله از طریق تهدید نظامی. البته افزایش آرایش نظامی به‌تنهایی نه‌اثبات تصمیم قطعی برای جنگ است و نه لزوماً نشانه درماندگی؛ می‌تواند هم ابزار فشار باشد و هم مقدمه عملیاتی رویارویی تازه. آرایش نظامی آمریکا در کنار تهدیدهای ترامپ و مواضع تهاجمی مقامات اسرائیلی، پیامی روشن دارد؛ واشنگتن می‌خواهد گزینه نظامی را به عاملی مؤثر در محاسبات تهران تبدیل کند. استقرار نیروهای دریایی و افزایش آمادگی عملیاتی می‌تواند چند هدف را همزمان دنبال کند که شامل افزایش فشار، تقویت موقعیت چانه‌زنی، اطمینان بخشی به متحدان منطقه‌ای و امکان واکنش سریع در صورت شکست دیپلماسی است.

اما نمایش قدرت الزاماً به معنای برخورداری از راهبردی روشن برای پایان جنگ نیست. تجربه نشان داده توانایی آغاز جنگ با توانایی کنترل دامنه پیامدهای آن تفاوتی بنیادین دارد. قدرت نظامی ممکن است امکان وارد کردن ضربه را فراهم کند، ولی تضمینی برای تحقق اهداف سیاسی پس از آن نیست. هرگونه اقدام نظامی علیه ایران با این واقعیت مواجه است که پیامدهای جنگ به محدوده هدف اولیه محدود نخواهد ماند؛ گستره منافع آمریکا، امنیت متحدانش، مسیرهای انتقال انرژی و حساسیت اقتصاد جهانی به تحولات خلیج فارس، همگی در محاسبات دخیل اند. اظهارات ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۶، از جمله تهدید به نابودی جمهوری اسلامی در صورت نرسیدن به توافق، نشان داد تقابل با ایران همچنان محوری است. این هم‌زمانی تهدید و سخن از توافق، تناقض مهمی را آشکار می‌کند: واشنگتن از یک‌سومی خواهد با فشار، تهران را به پذیرش شروط خود وادار کند و از سوی دیگر به توافقی نیاز دارد که هزینه‌های ادامه جنگ را کاهش دهد. باید میان قدرت اعمال فشار و توان تحمیل نتیجه مطلوب تمایز قائل شد. در سوی دیگر، رژیم صهیونیستی قرار دارد که تهدید ایران را محور سیاست امنیتی خود تعریف کرده است. اظهارات نتانیاهو درباره پایان نیافتن کامل جنگ نشان می‌دهد از نگاه تل آویو، پایان درگیری نظامی لزوماً به معنای پایان مناقشه راهبردی نیست. هرگونه عملیات گسترده علیه ایران نه‌تنها به ظرفیت‌های نظامی، بلکه به پشتیبانی سیاسی، لجستیکی و دفاعی آمریکا نیاز خواهد داشت. ایران طی سال‌های گذشته تلاش کرده معادله امنیتی خود را به سمت بازدارندگی فعال تر سوق دهد. توسعه توان موشکی، تقویت پدافند و گسترش دانش دفاعی بومی از جمله این مؤلفه‌هاست. سخنگوی سپاه، سرتیپ دوم پاسدار حسین محبی، در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ هشدار داد هرگونه تجاوز دوباره می‌تواند به گسترش جغرافیای جنگ و تغییر اهداف پاسخ ایران منجر شود. اما بازدارندگی را نباید با مصونیت از آسیب یکسان دانست؛ بازدارندگی مؤثر به اعتبار تهدید، توان استمرار دفاع و مدیریت هوشمندانه بحران وابسته است.

تنگه‌هرمز جایگاهی فراتر از گذرگاه دریایی دارد و در هر سناریو تشدید تنش، متغیری امنیتی و اقتصادی تعیین‌کننده است. هرگونه بحران در این آبراه می‌تواند به افزایش قیمت انرژی، اختلال در زنجیره تأمین و تشدید فشارهای اقتصادی منجر شود. سخنرانی مسعود پزشکیان در ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶ در مجمع عمومی، ضمن تأکید بر حق دفاع و عدم تسلیم در برابر فشار، آمادگی گفت‌وگو را نیز اعلام کرد. گزارش‌های تماس‌های غیرمستقیم از طریق میانی‌جی‌هایی مانند قطر نشان می‌دهد کاتال‌های دیپلماتیک همچنان بخشی از معادله‌اند. با توجه به نکات گفته شده درباره آینده منطقه سه سناریو کلی قابل تصور است؛ تداوم فشار نظامی و اقتصادی آمریکا بدون جنگ گسترده، وقوع حملات محدود و پاسخ‌های متقابل و گسترش جنگ به سطح منطقه‌ای و فرسایشی. تعیین اینکه کدام مسیر تحقق یابد، به تصمیم‌های سیاسی، تحولات میدانی و میزان تحمل هر پهنه‌ها بستگی دارد. نه می‌توان هر تحرک نظامی آمریکا را نشانه قطعی جنگ دانست و نه با اتکا به بازدارندگی، خطر درگیری را منتفی تلقی کرد. راهبر ایران باید بر حفظ آمادگی دفاعی، تقویت بازدارندگی معتبر، انسجام ملی و جلوگیری از خطای محاسباتی استوار باشد. قدرت راهبردی صرفاً در توان وارد کردن ضربه خلاصه نمی‌شود؛ در توان جلوگیری از تحمیل جنگ و مدیریت پیامدهای بحران نیز معنا پیدا می‌کند. تهدید نظامی، حتی در بالاترین سطح، نمی‌تواند جایگزین راه‌حل سیاسی پایدار شود. ایران خواهان جنگ نیست؛ اما دفاع از حاکمیت و امنیت ملی خود را نیز قابل معامله نمی‌داند.

در روز ۲۲۰ جنگ، دوجبهه دریایی منطقه از خلیج فارس تا دریای سرخ وضعیت مشابهی دارند

انصارالله در برابر ائتلاف سه‌گانه



است؛ اما انصارالله هنوز با قدرت در میدان حضور دارد.

۳ قدرت، یک جنگ پیچیده

فعال شدن پیمان مکه مهم‌ترین تغییر ساختاری جبهه‌یمن است. ترکیه دیروز رسماً ارائه تجهیزات نظامی، اطلاعات، اپراتورهای پهپادی، پدافند هوایی و پشتیبانی لجستیکی به عربستان را آغاز کرد؛ هرچند توافق هنوز در پارلمان ترکیه تصویب نهایی نشده و آنکارا نقش خود را «فنی و دفاعی» توصیف می‌کند. پاکستان نیز پیش‌تر تأیید کرده بود نیروهایش در مأموریت‌های شناسایی و پشتیبانی مشارکت دارند.

بنابراین برای نخستین بار، سه قدرت مهم منطقه‌ای (عربستان، ترکیه و پاکستان) در یک چارچوب امنیتی

با ۴۰/۴ درصد، کشورمان جایگاه دوم صادرات پهپاد جهان را در اختیار دارد

ایران، غول پهپادی جهان

کا‌هش یافت. در مقابل، صادرات ایران در همین بازه روندی متفاوت داشت. ایران در سال ۲۰۲۲ حدود ۷۳۵ فروند پهپاد صادر کرد و این رقم در سال ۲۰۲۳ به ۲ هزار و ۳۱ فروند و در سال ۲۰۲۴ به ۲ هزار و ۳۲ فروند رسید. در سال ۲۰۲۵ نیز ۲ هزار و ۲ فروند پهپاد نظامی از ایران صادر شد؛ رقمی که ایران را به بزرگ‌ترین صادرکننده پهپاد نظامی جهان در آن سال تبدیل کرد. افزایش توان تولید پهپاد در ایران در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی نیز یکی از عواملی است که در گزارش SIPRI مورد توجه قرار گرفته است. صنعت پهپادی ایران طی سال‌های گذشته در واکنش به محدودیت دسترسی به برخی تجهیزات و تسلیحات خارجی، توسعه یافته و به یکی از بخش‌های مهم صنایع دفاعی این کشور تبدیل شده است.



بخشیدن به وضعیت امنیتی در مناطق مرزی میان دو کشور به چند نکته مهم می‌توان اشاره کرد. **الف) ناآرامی سازوکارها و ترتیبات امنیتی مشترک میان دو کشور:** تهران و اسلام‌آباد در سال ۱۳۹۳ موافقت‌نامه همکاری امنیتی مشترکی را امضا کرده‌اند که براساس آن هر دو طرف نسبت به مقابله با هرگونه فعالیتی که امنیت ملی هر یک از آن‌ها را تهدید کند، متعهد شده‌اند. (ماده) علاوه بر این، در چارچوب توافق نامه مذکور، کارگروه مشترک امنیتی میان دو کشور تشکیل شده که تاکنون این کارگروه مشترک بیش از ۱۰ نشست در تهران یا اسلام‌آباد برگزار کرده‌است. اما اینکه چرا این ترتیبات طی بیش از یک دهه، کارآمدی‌ای از خود نشان نداده، جای تأمل دارد. احتمالاً بخش مهمی از این ناکارآمدی به شرایط سیاسی و امنیتی داخل پاکستان بازمی‌گردد؛ در جایی که گرفتاری دولت اسلام‌آباد با چالش‌های متعدد و چندبعدی امنیتی در داخل (از گروه‌های مسلح افراط‌گرا همچون تی‌تی‌پی گرفته تا اعتراضات اپوزیسیون سیاسی) مانع عمده‌ای بر سر راه اجرای تعهداتش در قبال امنیت مرزی با ایران ایجاد کرده‌است. در حال حاضر باید سرگرمی پاکستان و در ترتیبات امنیت‌فرامی و منطقه‌ای همچون پیمان مکه را نیز بیفزاییم. پاکستان در شرایطی نسبت به مداخلات امنیتی در منطقه و کمک امنیتی و نظامی به کشورهای همچون عربستان تعهد داده که هنوز نتوانسته برای

مشترک در برابر حملات انصارالله فعال شده‌اند. اما تفاوت مهمی وجود دارد؛ ریاض در حال جنگ است ولی آنکارا و اسلام‌آباد هنوز پشت مرز ورود مستقیم به جنگ ایستاده‌اند. این محدودیت، اتفاقی نیست. هر دو کشور می‌خواهند اعتبار پیمان را حفظ کنند، بی‌آنکه در جنگی طولانی و نامطمئن در یمن گرفتار شوند.

■ ضحله پیش‌رفته، اما تعیین‌کننده نشده

عملیات «فجر یمن» که نام ائتلاف عربستان علیه انصارالله است، توانسته ابتکار یک طرفه‌ای را که انصارالله در هفته‌های گذشته در ساحل غربی بدست آورده بود، تاحدی متوقف کند. نیروهای دولت یمن اکنون در الواعیه و جبل حبشی برای تصرف ارتفاعاتی می‌جنگند که بر مسیرهای

منتهی به المخا و باب‌المندب مسلط‌اند.

اما تحلیل الجزیره دستاوردهای اولیه این عملیات را همچنان «محدود» توصیف می‌کند. انصارالله پس از عقب‌نشینی‌های اولیه در اطراف ذُباب تجدید سازمان کرده، در برخی محورها مقاومت کرده و همچنان بر تعز فشار می‌آورد. امروز نیز حمله به فرودگاه عدن نشان داد توان موشکی و پهپادی آن حفظ شده است. پرواز ورودی از قاهره مجبور شد به جده تغییر مسیر دهد.

■ باب‌المندب هنوز از معادله خارج نشده

برای ایران، اهمیت این میدان دقیقاً همین جاست. اگر نیروهای مورد حمایت عربستان بتوانند ارتفاعات غرب تعز را تثبیت کنند و ساحل میان المخا و باب‌المندب را به‌طور پایدار تحت کنترل بگیرند، یکی از دو گلوگاه فشار دریایی جنگ محدود می‌شود.

اما انصارالله همچنان توانایی حمله به مسیرهای دریایی، عدن و خاک عربستان را دارد و حتی عملیات زمینی دولت یمن نیز هنوز به مرحله‌ای نرسیده که کنترل آن بر ارتفاعات و خطوط دارکرائی را بشکند. گزارش تازه الجزیره نیز تأکید می‌کند بیرون‌راندن این نیرو از مناطقی که سال‌ها در اختیار داشته، بسیار دشوارتر از بازپس‌گیری چند موضع تازه تصرف شده خواهد بود. یعنی ورود پیمان مکه، موازنه را تحت فشار قرار داده ولی هنوز آن را واژگون نکرده است.

■ هرمز: نفت عبور می‌کند، اما چگونه؟

در سوی دیگر خلیج فارس، جدال متفاوتی بر سر هرمز جریان دارد. مارکو رویویو می‌گوید ایران «کنترل کامل» تنگه را از دست داده و حجم صادرات نفت افزایش یافته است. ولی واقعیت بازار پیچیده‌تر از این ادعاست. صادرات نفت منطقه افزایش یافته، اما بخشی از آن از مسیرهای جایگزین و انتقال کشتی به‌کشتی انجام می‌شود. مهم‌تر اینکه رویترز گزارش کرده عراق پس از دریافت اجازه ایران توانسته عبور نفتکش‌های خود از هرمز را افزایش دهد. سی‌ان‌ان نیز پیش‌تر گزارش کرده بود برخی کشتی‌هایی که با هماهنگی ایران عبور می‌کنند، هزینه پرداخت کرده‌اند. اصل پرداخت در برخی موارد توسط سردبیر مؤسسه اطلاعات دریایی لویز لیست نیز تأیید شده است. بنابراین افزایش تردد الزاماً به معنای بازگشت قواعد پیش از جنگ نیست. سؤال مهم‌تر این است نفت تحت چه ترتیباتی عبور می‌کند؟

پوتین در گفت‌وگوی تلفنی با پزشکیان:

روسیه آمادگی دارد در زمینه کاهش تنش‌ها نقش آفرینی کند

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در گفت‌وگوی تلفنی با همتای روس خود، ضمن تبریک زادروز وی، با اشاره به روند مطلوب و روبه‌توسعه مناسبات تهران و مسکو، بر ضرورت استمرار و تقویت همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های مختلف تأکید کرد و تداوم این مسیر را در راستای منافع مشترک دو کشور دانست. ولادیمیر پوتین نیز در این تماس برای دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران صلح، رفاه، امنیت و سربلندی آرزو کرد. رئیس‌جمهور روسیه با اشاره به روند مناسبات تهران و مسکو در چارچوب معاهده همکاری جامع راهبردی، تصریح کرد: این همکاری‌ها با وجود تحولات و حوادث جاری در منطقه، در حال پیگیری و استمرار است. پوتین همچنین با تأکید بر تلاش‌های برخی کشورها برای میانجیگری و کمک به کاهش تنش‌ها، گفت: روسیه از این تلاش‌های دیپلماتیک حمایت می‌کند و دوستان ایرانی می‌توانند اطمینان داشته باشند مسکو نیز آمادگی دارد در این زمینه نقش آفرینی و مساعدت کند. او در پایان این گفت‌وگوی تلفنی، ضمن تأکید بر اهمیت تداوم ارتباطات و همکاری‌های نزدیک میان تهران و مسکو، سلام‌های گرم و بهترین آرزوهای خود را به رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای ابلاغ کرد.



چالش‌های خود در داخل یا اجرای تعهدات امنیتی‌اش در قبال همسایگان گام‌های مؤثری بردارد. **ب) ددوم چالش پاکستان با افغانستان و پیامدهای آن برای ایران:** برخلاف تصورات و پیش‌بینی‌های اولیه، بازگشت طالبان به قدرت نه تنها نتوانست به رفع چالش‌های پایدار میان پاکستان و افغانستان کمک کند، بلکه به دامنه تنش‌های میان دو طرف نیز افزود. این موضوع برای امنیت ایران نیز پیامدهایی داشته‌است. در وهله نخست، یک‌بار دیگر به صف‌بندی‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای بر سر افغانستان دامن زده است، کما اینکه شاهد هستیم نشست اخیر فرمت مسکو بدون دستیابی به هیچ‌گونه توافق و صدور بیانیه پایانی و در شرایط اختلاف‌نظر کشورهای منطقه به کار خود پایان می‌دهد. چنین فضایی ممکن است بستر مناسبی برای از سرگیری و گسترش رقابت‌ها و منازعات نیابتی نیز ایجاد کند، چنان‌که پاکستان، طالبان را به حمایت از تحریک طالبان پاکستان و در عوض، طالبان هم اسلام‌آباد را به حمایت از داعش خراسان و زمینه‌سازی برای استقرار این گروه در بلوچستان پاکستان متهم می‌کند. صرف نظر از اینکه افزایش تحرکات داعش در بلوچستان تا چه حد به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های پاکستان مرتبط است، نفس این حضور، اثرات خود را بر امنیت مرزها و مناطق مرزی ایران بروز

داده است. کشیده شدن اختلافات و منازعات طایفه‌ای و قومیتی پاکستان و افغانستان به مرزهای ایران و پاکستان، گسترش شبکه‌های غیررسمی اقتصادی مانند قاچاق و مواد مخدر، افزایش امکان فرصت‌طلبی قدرت‌های فرمانطقه‌ای از این تنش‌ها و درنهایت احتمال سرایت بحران امنیتی به مرزهای ایران و افغانستان، همگی می‌توانند بخشی دیگر از این پیامدها باشند. **ج) پیوند افراط‌گرایی مذهبی و شکاف‌های قومیتی و طایفه‌ای:** حضور و فعالیت گروه‌های افراطی مانند تحریک طالبان پاکستان و از آن مهم‌تر، داعش خراسان در بلوچستان پاکستان موجب شده شاهد شکل‌گیری ارتباطات و پیوندهایی میان این گروه‌ها و گروه‌های تروریستی بومی و قومیت‌گرا باشیم. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در روند تقابل با گروه‌های تروریستی همچون جیش‌الظلم نیز بر ماهیت و جدوی چنین پیوندهایی صحه گذاشته‌اند. تردیدی نیست که شکل‌گیری چنین همکاری‌ای در تشدید تحرکات تروریستی اخیر در روند تقابل با گروه‌های تروریستی بوده‌اند. خلاً قدرت موجود در بلوچستان که ناشی از ضعف و ناتوانی دولت مرکزی پاکستان یا احتمالاً برخی ابهامات در سیاست‌های این کشور است، هرگونه برنامه‌ریزی برای تقابل امنیتی با این روند را با دشواری بیشتری روبه‌رو می‌کند.